



Dimensionality of the Challenges of the Institutionalization of the Islamic Banking System

Reza Rahimi*



10.30497/ifr.2024.245258.1858



Abstract

Regarding the problems and challenges facing Islamic banking, of course, after nearly forty years since the adoption and implementation of the law on interest-free banking in Iran, many writings, researches and materials have been formed. During this period, in order to solve them, solutions have been presented and implemented. Therefore, acknowledging that some of the problems and challenges have been resolved, but the Islamic banking system is still facing challenges, some of which have a relatively long history. Therefore, in order to find the roots of the challenges, it seems more important than recognizing the challenges themselves, to understand correctly the aspects and dimensions of the problems and challenges against the institutionalization of the Islamic banking system, especially in Iran and in the world in general. Accordingly, in this article, an attempt has been made to examine the dimensions of these challenges in order to avoid repetition, almost in a comprehensive manner. With regard to the above, the present study has examined the dimensions of challenges in the two sections of Islamic banking challenges in Iran and the world separately. In any case, the main challenge that unfortunately still exists in Iran almost fourteen years after the enactment of the Law on Interest-Free Banking Operations, and unfortunately has received less attention, is the problem or challenge It is "Qarz al-Hasna", which can be claimed to be the basis of Islamic thought and thought in the context of the simplest and at the same time the most complex concept of economics, namely "money" in the space of "Qarz al-Hasna" finds meaning and manifestation. It is hoped that this study can be used as an example of the second step of the Islamic Revolution in the direction of institutionalizing the Islamic economic system.

Keywords: Islamic Banking; Challenges; Usury; Islamic Contracts; Banking System.

JEL Classification: G24, Z00, Z23.

* Assistant Professor, Faculty of Economics and Accounting, Faculty Member, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

rez.rahimi@iauctb.ac.ir

0000-0003-2201-8941

Received: 2024/02/19

Accepted: 2024/06/10

ابعادشناسی چالش‌های نهادینه‌سازی نظام بانکداری اسلامی

رضا رحیمی*

چکیده

در زمینه چالش‌های بانکداری اسلامی، بعد از گذشت نزدیک به چهل سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، نوشته‌ها، تحقیقات و مطالب فراوانی شکل گرفته است. در طول این دوران نیز در راستای برطرف نمودن آن‌ها، راه‌حلهایی نیز ارائه و به اجرا گذاشته شده است. لذا با اذعان بر این مطلب که برخی از چالش‌ها نیز برطرف شده، اما هنوز نظام بانکداری اسلامی درگیر چالش‌هایی است که برخی از آن‌ها از سابقه‌ای نسبتاً بلندمدت برخوردار هستند. لذا در همین راستا و به منظور ریشه‌یابی چالش‌ها به نظر می‌رسد مهم‌تر از شناخت خودچالش‌ها، درک درست و صحیح جنبه‌ها و ابعاد چالش‌های مقابل نهادینه شدن نظام بانکداری اسلامی، علی‌الخصوص در جمهوری اسلامی ایران و علی‌العموم در جهان است. بر همین اساس در این مقاله تلاش شده است با نگاهی تقریباً همه‌جانبه، ضمن ریشه‌شناسی چالش‌ها، ابعاد گوناگون چالش‌ها مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند. پژوهش حاضر ابعاد چالش‌ها را در دو بخش چالش‌های بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و جهان به شکل جداگانه مورد بررسی قرار داده است. در هر صورت، اساسی‌ترین چالشی که از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، چالش «نبود قصد و نیت در عقود طبق قاعده «العقود تابعه للقصد»، علی‌الخصوص در مورد مفهوم «قرض الحسنه» است که شاید بتوان ادعا نمود اساس و مبنای تفکر و اندیشه اسلامی در زمینه ساده‌ترین و درعین حال پیچیده‌ترین مفهوم اقتصاد یعنی «پول» در فضای «قرض الحسنه» معنا و تجلی پیدا می‌نماید. امید است این پژوهش بتواند به‌عنوان مصداقی از مصادیق گام دوم انقلاب اسلامی در راستای نهادینه‌سازی نظام اقتصاد اسلامی بوده باشد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی؛ چالش‌ها؛ ربا؛ عقود اسلامی؛ نظام بانکی.

* استادیار، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

rez.rahimi@iauctb.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

مقاله مدت ۳ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

مقدمه

ربا در تمام نظام‌های پولی و مالی مذموم شناخته شده است و اجتناب از ربا، هدف مشترک و وجهه همت تمام سیاست‌گذاران اقتصادی در اکثر قریب به اتفاق کشورها بوده است (مظاهری، ۱۳۸۹). در تمام ادیان ابراهیمی، بر حرمت ربا تأکید شده و پیروان از رباخواری منع شده‌اند. در آیات قرآن کریم به روشنی زشتی رباخواری به مسأله ظلم ربط داده شده و مبنای غیراخلاقی ربا زمینه روابط ظالمانه تلقی شده است (طیبیان، ۱۳۸۹).

تا صدسال پیش، اختلاف نظر چندانی بین فقیهان، مفسران و دیگر اندیشه‌وران اسلامی درباره ماهیت و قلمرو ربا نبود، با گسترش نظام سرمایه‌داری و ورود بانکداری به جامعه‌های اسلامی، اندیشه‌وران مسلمان از یک‌سو به فکر استفاده از بانک افتادند از سویی دیگر، فعالیت‌های بانک را آمیخته با قرض با بهره می‌دیدند که از دیدگاه اسلام ربا و ممنوع است. برای حل مشکل، گروهی از عالمان به فکر طراحی الگوی جدیدی از بانک افتادند و گروهی دیگر با ارائه تفسیرهای جدید ربا درصدد تجویز بانکداری متعارف برآمدند (موسویان، ۱۳۸۶).

به‌طورکلی اشکال‌ها و انتقادهای اساسی قانون (عملیات بانکی بدون ربا) را می‌توان در مورد‌های ذیل طبقه‌بندی کرد (موسویان، ۱۳۸۶):

۱. عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمرو شمول قانون؛
۲. متأثر شدن قانون از وضعیت اقتصادی اول انقلاب به‌ویژه از نگرش دولتی بودن بانک‌ها؛
۳. عدم قابلیت قانون برای طراحی الگوهای متناسب با انواع مؤسسه‌های اعتباری بانکی و غیربانکی؛
۴. عدم جامعیت و نارسایی قانون درباره هدف‌ها و سلیقه‌های سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات؛
۵. عدم جامعیت و نارسایی ابزارهای سیاست پولی استفاده شده در قانون؛
۶. فقدان راهکار مناسب برای روبه‌رو شدن طلب‌های معوقه؛

۷. فقدان راهکار ارتباطی بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی ایران با بانک‌های بدون‌ربا و متعارف دنیا؛
۸. فقدان راهکار مناسب برای نظارت و کنترل شرعی فعالیت بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی؛
۹. فقدان راهکار مناسب برای تحقیق و توسعه بانکداری بدون‌ربا.

در این تحقیق هدف و انگیزه اساسی محقق، کمک به ارائه تبیینی نسبتاً جامع از چالش‌های نظام بانکداری اسلامی است. لذا در این راستا تلاش شده تا ابعاد و جنبه‌های مختلف و گاهاً پنهان، این چالش‌ها به شکلی واضح و دقیق به تصویر کشیده شود. البته در زمینه چالش‌های بانکداری اسلامی، بعد از گذشت نزدیک به چهل سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون‌ربا در جمهوری اسلامی ایران، نوشته‌ها، تحقیقات و مطالب فراوانی شکل گرفته است. در طول این دوران نیز در راستای برطرف نمودن آن‌ها، راه‌حل‌هایی نیز ارائه و به اجرا گذاشته شده است. به نظر می‌رسد مهم‌تر از شناخت خود چالش‌ها، درک درست و صحیح جنبه‌ها و ابعاد چالش‌های نهادینه شدن نظام بانکداری اسلامی، علی‌الخصوص در جمهوری اسلامی ایران و علی‌العموم در جهان است.

سازمان‌دهی مطالب این مطالعه در راستای نشان‌دادن نمایی دقیق و همه‌جانبه از چالش‌های نظام بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و جهان بدین صورت تدوین گردیده که پس از مقدمه، دو بخش کلی باعنوان «ابعادشناسی چالش‌های بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و جهان» ارائه شده است. بخش اول شامل ابعاد نظری چالش‌ها و حوزه عملکردی و ساختاری بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و بخش دوم شامل ابعاد چالش‌های بانکداری اسلامی در جهان است.

۱. پیشینه پژوهش

خطیبی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای باعنوان «مبانی فقهی تعامل نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران با بانک‌ها و نهادهای خارجی و بین‌المللی»، بیان می‌دارد با توجه به آنکه نظام بانکداری متعارف بر نرخ بهره-یعنی ربای قرضی- استوار است و در فعالیت‌های خود،

التزامی به رعایت چارچوب‌های شریعت اسلام ندارند، تعامل با چنین بانک‌هایی در مجاورت محرّمات الهی قرار می‌دهد، مگر آنکه تعامل مزبور در چارچوب مبانی فقهی تعریف شود.

سیمپاری، قوام و کریمی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای باعنوان «شناسایی و ارزیابی چالش‌های حساب سرمایه‌گذاری مدت‌دار و ارائه راهکاری اصلاحی در چارچوب اقتصاد مقاومتی»، ضمن تأکید بر تقویت و اصلاح نظام‌های مالی به‌عنوان بخش زیرساختی تحقق اهداف سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بیان می‌دارند که مهم‌ترین زیرمجموعه نظام مالی ایران، نظام بانکی است. در راستای شناخت چالش‌های حساب سرمایه‌گذاری مدت‌دار، آن‌ها را به پنج دسته شامل: سود سپرده، تنوع سپرده، چالش‌های ناظر به بانک مرکزی، ناظر به وکالت بانک‌ها و سایر چالش‌ها دسته‌بندی می‌کنند.

الهام و امساک (۱۳۹۸) در مقاله‌ای باعنوان «بررسی تابعیت عقد از قصد در معاملات بانکی»، بیان می‌دارند که معاملات بانکی با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبرو هستند؛ از بحث‌های مهم در این زمینه میزان تبعیت معاملات بانکی از قصد متعاملین است. در نهایت نتیجه می‌گیرند که در صورت عدم وجود قرینه عقد، تابعی از قصد استعمالی و نه واقعی متعاملین است.

بنی‌طبا و روحانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای باعنوان «آسیب‌شناسی نقش نقض در قوانین و ضعف نظارت در انحراف منابع قرض‌الحسنه نظام بانکی»، بیان می‌دارند که طی سال‌های گذشته، علی‌رغم نیاز شدید مردم به‌ویژه جوانان به وام قرض‌الحسنه، درصد قابل توجهی (در برخی از سال‌ها بیش از نیمی) از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز صرف پرداخت وام قرض‌الحسنه نشده است. منشاء اصلی این انحراف در منابع قرض‌الحسنه، خلاء موجود قانون عملیات بانکی بدون ربا است.

ذاکرنیا و زین‌الدینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای باعنوان «اهمیت عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا ایران»، به بررسی عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری پرداخته‌اند. در همین راستا به شناخت مجموعه عوامل اثرگذار بر تشدید

ریسک اعتباری در بانکداری بدون‌ربای ایران، با بررسی نسبتاً جامع منابع علمی داخلی و خارجی و تحلیل نظرات خبرگان با استفاده از روش دلفی پرداخته‌اند.

صلواتیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای باعنوان «الگوی مشارکت مطمئن، جایگزینی برای کژکارکرد بانکداری مشارکتی»، بیان می‌دارد بانکداری مشارکتی، به‌عنوان یکی از انواع الگوهای بانکداری اسلامی، در حوزه نظر و عمل با چالش‌هایی مواجه است. یکی از چالش‌های نظری، عدم‌توانمندی در اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز است.

صمدی و پروین (۱۳۹۴) در مقاله‌ای باعنوان «بررسی چالش‌های نظری و عملی بانکداری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیراسلامی»، بیان می‌دارند با توجه به اینکه در کشور ایران نوع خاصی از بانکداری مطرح است که با بانکداری متعارف و اسلامی که در جهان رواج دارد تفاوت‌هایی دارد، پاسخ به این سؤال که «چه چالش‌هایی در سطح نظری و عملی برای بانکداری بدون‌ربا در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیراسلامی وجود دارد؟» زمینه اجرای تحقیقات متفاوتی همچون این تحقیق را فراهم می‌نماید.

لطف‌آبادی، صادق‌پور، مختاری اردکان (۱۳۹۳) در مقاله‌ای باعنوان «بررسی بانکداری اسلامی و فرصت‌ها و چالش‌های فراروی آن»، به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. در این مقاله، ضمن بیان عوامل مختلف ادامه حیات بانکداری اسلامی، به بررسی چگونگی فعالیت‌های بانکداری اسلامی در کشورهای مسلمان و تعیین مشکلات و چالش‌های آن در فضای اقتصادی موجود پرداخته‌اند.

داودی‌نصر، کرمعلی و هدایتی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای باعنوان «بانکداری اسلامی، راهکارها و چالش‌های مدیریت نقدینگی»، به بررسی موضوع راهکارها و چالش‌های مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. آن‌ها در همین راستا ابتدا مفهوم مدیریت نقدینگی به همراه پیشینه‌ای از تحقیقات انجام شده در این زمینه را بیان نموده سپس به بررسی نقش مدیریت نقدینگی در بانک‌های اسلامی پرداخته و در ادامه موضوع چالش‌ها و محدودیت‌های مختلفی را که بانک‌های اسلامی در مدیریت نقدینگی با آن‌ها روبرو هستند را موردبحث قرار داده‌اند.

طالبی و کیایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران»، به ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی پرداخته‌اند.

عباس‌زاده (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان «رویکرد تحلیلی بر چالش‌های بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور»، مهم‌ترین چالش‌ها را در مواردی مانند، غیرواقعی بودن برخی از معاملات، وجود اشکال‌ها در معاملات بانکی و سایر موضوعات برمی‌شمرد. سیفلو و خوانساری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مشکلات و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه در قانون عملیات بانکداری بدون ربا»، به بررسی چالش‌ها و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه در قانون عملیات بانکی بدون ربا پرداخته‌اند.

موسویان، میثمی، محمدزاده و خوانساری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی - اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران»، تلاش می‌کنند تا وضعیت نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اسلامی را که در این کشور به فعالیت مشغول‌اند را مورد تحلیل قرار دهند.

میثمی و بمان‌پور به نقل از اقبال، احمد و خان (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان «چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی»، در یک تقسیم‌بندی کلی، چالش‌ها را از دو منظر: ۱) چالش‌های نهادی، مانند نبود چارچوب قانونی و نظارتی کارآمد، بازار بین‌بانکی و...، ۲) چالش‌های عملیاتی مانند مهندسی مالی، ابهام در مسائل شرعی بانکداری اسلامی و... مورد بررسی قرار داده‌اند.

منظور، رحیمی و محمدی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع چالش‌های پیش‌رو»، به تشریح اجمالی تفاوت‌های نظام بانکداری اسلامی با نظام بانکی متعارف پرداخته‌اند، سپس با در نظر گرفتن وضعیت موجود بانک‌های اسلامی، اهم چالش‌های کنونی این مؤسسات را در مواردی از جمله وجود ملاحظات فقهی، نبود چارچوب‌های قانونی، نظارتی و نهادی مناسب و سایر موارد برمی‌شمارند.

شیرانی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای باعنوان «دو دهه بانکداری اسلامی، چالش‌های ساختاری و اداری نظام بانکی کشور»، بیان می‌دارد که ریشه چالش‌های نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران به خاطر نوع مالکیت، نوع فعالیت‌ها، قوانین حاکم، منابع محدود، تعداد مراجع نظارتی، ضعف سیستم‌های سخت‌افزاری، ضعف آگاهی‌ها، آموزش‌ها و نهایتاً شیوه مدیریت و اداره امور است.

هدایتی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای باعنوان «آسیب‌شناسی نظام بانکی در دو دهه تجربه بانکداری بدون ربا در ایران»، به بررسی آسیب‌شناسی بانکداری کشور از لحاظ شکل حقوقی و شکل سازمانی و محتوا (ابزارهای مالی، ماهیت و نوع عملیات و...) پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مجموعه کاستی‌ها و نارسایی‌ها، در یک ارتباط طبیعی، نظام بانکی کشور را در وضع نامطلوبی قرار داده است.

کبیر^۱ (۲۰۲۱م) در مقاله‌ای باعنوان «امور مالی اسلامی و چالش‌های معاصر»، بیان می‌دارد نظام مالی اسلامی با چالش‌های بی‌شماری مواجه است که اولین قدم در راستای حل آن‌ها، شناخت فرایند شکل‌گیری آن‌ها است. بر همین اساس لزوم ایجاد یک نظام تحقیقاتی را در راستای درک زمینه‌های تحول، شکوفایی و درنهایت ایجاد ابزارهای مالی متناسب با نظام مالیه اسلامی، را ضروری می‌داند.

ابوزید^۲ (۲۰۱۹م) در مقاله‌ای باعنوان «چالش‌های داخلی پیش‌روی صنعت مالی اسلامی»، به ارائه مشکلاتی از قبیل نبود توانایی علمی کامل مجامع هیأت‌ها شرعی، تعدد قوانین و پیچیده بودن آن‌ها در زمینه بانکداری اسلامی، نیازمندی مؤسسات به اصلاح فوری فرایندکاری و عملیاتی آن‌ها پرداخته‌اند.

خان، شهزاد و خان^۳ (۲۰۱۵م) در مقاله‌ای باعنوان «چالش‌های معاصر پیش‌روی بانکداری و مالی اسلامی»، ضمن اشاره به موفقیت‌های بانکداری اسلامی در جهان، به جمع‌بندی چالش‌های معاصر پیرامون بانکداری اسلامی پرداخته و به مواردی مانند نبود ساختار نظارتی منسجم و نهاد نظارتی، عدم توافق کامل بین دیدگاه‌های علمای شریعت و موارد دیگر پرداخته‌اند.

1. Kbir
2. Abozaid
3. Khan, Shehzad & Khan

رضا، شاه و خورشید^۴ (۲۰۱۴م) در مقاله‌ای با عنوان «مناقشات و چالش‌های بانکداری اسلامی»، به شکل‌گیری دو نظام مالی اسلامی و ربوی، با عناوین بانکداری متعارف و اسلامی، با کارکرد بهره و عدم آن اشاره می‌نماید. در همین راستا، اساسی‌ترین چالش را در مقابل تحقق کامل بانکداری اسلامی در جهان، همانا نبود یک مرجعیت واحد دینی و عدم توافق بین علمای اسلامی در حوزه مسائل مستحدثه بانکداری بدون ربا می‌داند.

سؤال اصلی این مطالعه عبارت است از:

سؤال اصلی این مطالعه عبارت است از «ابعاد چالش‌های مقابل نهادینه‌شدن نظام بانکداری اسلامی در ایران چیست؟»

۲. روش پژوهش

روش این مطالعه از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و با تکیه بر مطالعات انجام‌شده داخلی و خارجی و تکیه بر مبانی نظری، چالش‌های بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران و جهان، شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۳. یافته‌ها

۳-۱. چالش‌های بانکداری اسلامی در ایران

۳-۱-۱. ابعاد تئوریک و نظری چالش‌ها

۳-۱-۱-۱. چالش‌ها از منظر تفاوت نگرش‌ها در زمینه بهره، سود و ربا

در راستای درک تشتت آراء در زمینه مفهوم بهره، سود و ربا دیدگاه اندیشمندان در این حوزه به آن‌ها اشاره می‌گردد:

یکی از معضلات اقتصاد به‌ویژه نظام بانکی از مسأله ربا، عدم اتفاق نظر اندیشه‌وران در ماهیت، فلسفه حرمت، آثار و روش‌های مقابله با ربا است (رستمی، ۱۳۹۰). تفاوت بهره و ربا، موضوع بسیار پیچیده و بحث‌برانگیزی است زیرا گذشته از اینکه سابقه آن به دوران‌های قبل و حتی به زمان قبل از رواج وسیله مبادله (به‌معنای عام کلمه) برمی-

گردد، مردم عادی نیز روزمره از آن به تعبیر مختلف استفاده کرده و می‌کنند. موضوع دیگر که به پیچیدگی بحث اضافه می‌کند، آن است که این مفهوم را در کنار مفهوم دیگری که آن نیز خود سرنوشتی متفاوت از سرنوشت بهره (ربا) نداشته، به کار برده‌اند و آن مفهوم سرمایه است (توتونچیان، ۱۳۷۹).

۳-۱-۲. چالش‌ها از منظر مباحث شرعی و فقهی

* اهمیت قصد و نیت

قاعده «العقود تابعه للقصد» نتیجه عقد را حصول آن چیزی می‌داند که معامله‌کنندگان باهم عهد بسته و آثار آن را هم مطالبه می‌کنند و به عبارت آشکارتر، باید آنچه قصد شده واقع بشود و آنچه واقع شده مطابق با قصد باشد تا صحت قرارداد تأیید شود (احمدیه، ۱۳۹۴). طبق ماده ۱۹۰ قانون مدنی، شرایط تحقق هر معامله عبارت است از:

۱. قصد طرفین و رضای آن‌ها؛
۲. اهلیت طرفین (یعنی عاقل، بالغ و رشید باشند)؛
۳. معین بودن موضوع معامله (عقد برای امری مبهم و نامعین باطل است)؛
۴. مشروعیت جهت معامله (هدف و انجام عقد باید در جهت مشروع باشد).

لذا در اجرای عقود اسلامی، واژه‌های ایجاب و قبول باید با قصد و رضا توأم باشد، حال آنکه در بسیاری از امور بانکی دو طرف قرارداد فاقد قصد انشاء هستند (رضوی، ۱۳۹۳).

* چالش تفاوت دیدگاه‌های فقهی و شرعی

نظام بانکی در صورتی اسلامی نامیده می‌شود که بر مبنای احکام شریعت عمل کند. تفسیر مسائل شرعی بر عهده فقها است. این در حالی است که علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی، مانند تشیع، شافعی، حنفی و... هر کدام دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. حتی در یک مذهب نیز فقها دارای فتواهای متفاوت در خصوص یک موضوع هستند. برای مثال، در مورد اینکه آیا «ربا» و «بهره» دارای یک معناست یا نه بین مذاهب مختلف، نقطه نظر مشترک وجود ندارد (منظور، رحیمی و محمدی، ۱۳۸۷).

**۳-۱-۱-۳. تگاهی شرعی - فقهی به برخی عناوین چالش برانگیز
*چالش غرر (ریسک)**

بانک‌ها براساس رابطه وکیل و موکل مکلف‌اند که وجوه سپرده‌گذار را سرمایه‌گذاری کنند؛ سپس صاحبان اصلی این وجوه را در سود و زیان حاصله شریک گردانند. حال آنکه قراردادهای موجود در بانک‌ها به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که بانک هیچ‌گونه زیانی را نمی‌پذیرد و ریسک یک‌طرفه بوده و به دریافت‌کننده تسهیلات تحمیل می‌شود. روش بانک نیز بر این پایه استوار شده که در این گونه معاملات هیچ‌گونه ریسکی را قبول نکند (رضوی، ۱۳۹۳). لذا این امر از باب موضوع غرر در معاملات و عقود اسلامی دارای ابهام بوده و چالش برانگیز است.

***چالش جوایز بانکی**

قرعه‌کشی و ارائه جوایز به سپرده‌گذاران، از یک سو موجب افزایش کمیت سپرده‌گذاری شده و از سوی دیگر موجب افزایش سود تسهیلات قرض الحسنه بانک‌ها از ۲ درصد به ۴ درصد شده است (۲ درصد کارمزد و ۲ درصد هزینه جوایز). در همان حال شائبه وصول ۲ درصد اضافه از وام‌گیرندگان بابت هزینه جایزه مطرح است. گذشته از اینکه این اشکال وارد است یا نه، به روشنی می‌توان گفت پرداخت جایزه، موجب ترویج عقد قرض الحسنه در جامعه نشده است (مظاهری و حق‌بیان، ۱۳۸۸).

***چالش جریمه تأخیر**

یکی از چالش‌های بانک‌های اسلامی مسأله مدیریت بازگشت اصل تسهیلات پرداختی و تحصیل سود انتظاری از طرح‌های تأمین مالی شده است (توکلی، ۱۳۹۴). دریافت جریمه دیرکرد بازپرداخت تسهیلات بانکی، از جمله بحث‌های چالشی و مورد نقد نظام بانکداری بدون ربا در ایران است. چالش‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی فراوانی که درباره این مسأله وجود دارد، ضرورت ارائه راهکارهای جایگزین را دوچندان می‌کند (قلیچ و ملاکریمی، ۱۳۹۴).

*چالش کارت‌های اعتباری

براساس قانون اسلام، صدور یا تهیه کارت‌های بدهی جایز است. لیکن آنچه جای اختلاف است، کارت‌های اعتباری هستند. در این نوع کارت‌ها به دلیل بهره‌ای که از دارنده کارت توسط ناشر دریافت می‌شود، از نظر اسلامی قابل قبول نیست (محسنی زنوزی و کیانوند، ۱۳۹۰). درنهایت از یک منظر می‌توان موضوع صدور کارت را به صورت شرعی توجیه نمود و از آن بهره‌های لازم را گرفت، مشروط بر آنکه شرط بهره‌های ربایی از آن حذف شود، زیرا هیچ راهی برای تصحیح آن وجود ندارد (تسخیری، ۱۳۷۶).

۳-۱-۴. چالش مباحث قانونی و حقوقی

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در هر نظام حقوقی ضروری به نظر می‌رسد، تعیین جایگاه شایسته هر نهاد در آن مجموعه است. از سال ۱۳۶۲ لایحه قانونی عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌ها را به چند گروه تقسیم کرد: حساب‌های جاری و پس‌انداز را «قرض الحسنه» نامید، ولی ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار را روشن نکرد. ممکن است گفته شود که رابطه بانک و صاحب سپرده مدت‌دار تابع احکام مضاربه است. سرمایه‌ای به بانک داده می‌شود تا با آن تجارت کند و دو طرف در سود آن شریک باشند. بانک نماینده و امین صاحب سپرده است و به او اجازه داده شده تا سرمایه را در انجام معاملات مقرر در قانون (شرکت، مضاربه اجاره به شرط تملیک، مزارعه، مساقات، جعاله، معاملات سلف و اقساطی و سرمایه‌گذاری مستقیم) به کار اندازد. تصمیم با عامل است و مالک نظارتی بر کار او ندارد و نمی‌تواند به او دستور انجام معامله‌ای بدهد. این گفته با اشکال‌های اساسی رویه‌رو است. نخست اینکه، طبق ماده ۵۴۸ قانون مدنی «حصه هریک از مالک و ضارب در منافع باید جز مشاع از کل، از قبیل ربع یا ثلث و... باشد» و این حصه‌ها در عقد مضاربه معین شود (ماده ۵۴۹ قانون مدنی)؛ درحالی‌که چنین حصه‌ای در قانون اجباری نیست و ماده ۵ از لایحه به گونه‌ای مبهم تنظیم یافته است. دیگر اینکه، عقد مضاربه جایز است و با فوت یا جنون یا سفه هریک از دو طرف منفسخ می‌شود، ولی قراردادهای سپرده تا پایان مدت

اعتبار دارد. وانگهی پاره‌ای از اعمال پیش‌بینی شده برای مصرف سپرده‌ها جنبه تجارت ندارد و حال آنکه مضاربه ویژه سرمایه‌گذاری برای تجارت است (ماده ۵۴۶ قانون مدنی). پس رابطه بانک و صاحبان سپرده را نمی‌توان نوعی مضاربه توصیف کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۴).

۳-۱-۵. برخی مفاهیم نوین بانکداری

*چالش بازار بین‌بانکی و مدیریت نقدینگی

اغلب ابزارها در بازارهای بین‌بانکی بر قرض با بهره مبتنی هستند، تشکیل چنین بازاری در نظام بانکداری اسلامی محل تردید است. این در حالی است که توسعه نظام بانکی و تأسیس بانک‌های خصوصی، مسأله مدیریت نقدینگی و طراحی بازار بین‌بانکی را برای نظام بانکی ایران ضروری کرده است (موسویان و الهی، ۱۳۹۰).

*چالش نرخ سود و شناورسازی آن

شناورسازی نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات یکی از روش‌هایی است که در بانکداری مرکزی نوین جهت تسریع و تسهیل مکانیسم انتقال پولی استفاده می‌شود، به این معنی که با اعمال سیاست پولی و تغییر نرخ سود سیاستی از طریق انجام عملیات بازار باز توسط بانک مرکزی، نرخ‌های سود کلیه سپرده‌ها و تسهیلات تحت تأثیر قرار گرفته و اثر موردنظر سیاست‌گذار به بخش واقعی اقتصاد منتقل می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا در چهارچوب بانکداری بدون‌ربا ایده شناورسازی نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات در طول دوره قرارداد، می‌تواند با مبانی شریعت انطباق پیدا کند؟ (موسویان و میثمی، ۱۳۹۵) در عملیات بانکی بدون‌ربا که نرخ سود جایگزین نرخ بهره گردیده است، اگرچه طبق مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه این نرخ ثابت نیست، اما در عمل مشاهده می‌شود که این نرخ در طی مهر و موم‌های گذشته چه در مورد سپرده‌گذار و چه برای تسهیلات گیرنده ثابت بوده است (فرجی، ۱۳۸۲).

*چالش عدم‌اجرای نظام بانکداری مشارکت در سودزبان (PLS)

مشارکت یکی از روش‌های تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی است که مورد تأیید اسلام بوده و براساس مبانی فقهی آن، از درآمیختن سرمایه شرکا حق دخالت و نظارت بر فعالیت اقتصادی و مدیریت آن را دارند (ابوالحسنی هستیانی و حسنی‌مقدم، ۱۳۹۴). متخصصان اسلامی بر ابزارهای PLS مانند مضاربه و مشارکت که پایه‌های اساسی بانکداری اسلامی هستند، تأکید دارند. به عقیده سرمایه‌گذاران بانک‌های اسلامی فاقد چارچوب قانونی، رویه‌های استاندارد و تخصص و ابزار لازم برای دستیابی سود پیش‌بینی‌شده در سرمایه‌گذاری PLS هستند (مشرف جوادی و قوچی‌فرد، ۱۳۸۸). مهم‌ترین چالش‌ها در این حوزه الف) لزوم نظارت و دخالت در فعالیت اقتصادی و در نتیجه استفاده از برخی ناظران که موجب افزایش هزینه‌های بانک خواهد شد، ب) مشکل اطلاعات نامتقارن و بی‌اعتمادی به گزارش سودزبان از طرف متقاضی، ج) نااطمینانی نسبت به نتایج فعالیت اقتصادی و در نتیجه، ریسک سوخت شدن منابع و ریسک بازار (نصرآبادی و شعبانی، ۱۳۸۷).

*چالش استانداردهای حسابداری

«هیأت حسابرسی و بازنگری موسسات مالی اسلامی»^۵ در استاندارد حسابداری مالی شماره چهار خود، روش حسابداری تسهیلات عقد مشارکت را تبیین کرده است. لیکن بانکداری ایران در حسابداری عقود مشارکتی دارای دستورالعملی منسجم و یکپارچه نبوده و دستورالعمل حسابداری خاصی نیز از طرف بانک مرکزی برای آن تدوین نشده است، این مهم به صورت یک وحدت رویه مرسوم توسط بانک‌های ایران اجرا می‌شود. بر همین اساس پس از گذشت بیش از سه دهه از عضویت بانکداری ایران در سازمان موضوع، تاکنون نگاه نقادانه‌ای مبنی بر میزان انطباق روش‌های حسابداری بانک‌های ایرانی با استانداردهای حسابداری AAOIFI صورت نگرفته است. این موضوع آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که پس از تغییر از نظام بانکی ربوی به نظام بانکی بدون‌ربا، نظام

5. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

حسابداری آن تغییر محسوسی نکرده است (غلامی جمکرانی، فراهانی فرد و منظم، ۱۳۹۴).

۳-۱-۱-۶. چالش‌ها در ارتباط با بانکداری جهانی

باتوجه به روند جهانی شدن و پیوستگی اقتصادها، افزایش حجم تجارت کالا و خدمات و جریان سرمایه میان کشورها در دهه‌های اخیر، ورود به بازارهای مالی بین‌المللی و ایفای نقش در جریان‌های مالی بین‌المللی اهمیت دارد. نگاهی به آمار و ارقام و شواهد نشان می‌دهد نظام بانکی کشور تعامل گسترده‌ای با نظام بانکی بین‌الملل ندارد (صمدی و پروین، ۱۳۹۴).

۳-۱-۲. چالش‌ها در حوزه عملکرد بانکداری اسلامی

۳-۱-۲-۱. عقد قرض الحسنه

طی سال‌های گذشته، علی‌رغم نیاز شدید مردم و به‌ویژه جوانان به وام قرض‌الحسنه، درصد شایان توجهی (در برخی از سال‌ها بیش از نیمی) از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز صرف پرداخت وام قرض‌الحسنه نشده است. علاوه بر آن بخش شایان توجهی از سپرده‌های قرض‌الحسنه خیرخواهانه آحاد مردم در قالب وام قرض‌الحسنه کلان و بلندمدت در اختیار کارکنان بانک‌ها قرار گرفته است (بنی‌طبا و روحانی، ۱۳۹۸). در همین راستا در مقررات و رویه‌های موجود سیستم بانکی، قرض‌گیرنده متعهد است که معادل رقم دریافتی به‌علاوه کارمزد شامل هزینه‌های خدمات، جمع‌آوری وجوه، هزینه‌های نظارت و حسابداری را به قرض‌دهنده بپردازد. این روش، شرط حذف ربا را محقق می‌کند اما دو ایراد را باقی می‌گذارد: اول اینکه کارمزد همه قراردادهای عدد ثابت است و به‌صورت درصد سالانه از قرض‌گیرنده دریافت می‌شود. این کارمزد از محاسبه هزینه‌های واقعی بانک به‌دست نمی‌آید. دوم اینکه ارزش دارایی قرض‌دهنده کاهش پیدا می‌کند و آنچه در سررسید به قرض‌دهنده بازپرداخت می‌شود، کم‌ارزش‌تر از وامی است که در ابتدای قرارداد به قرض‌گیرنده پرداخت شده بود (مظاهری و حق‌بیان، ۱۳۸۸).

۳-۱-۲-۱. عقود با بازدهی متغیر و ثابت

طی سه دهه اخیر، فقدان گرایش بانک‌ها به مشارکت واقعی، یکی از چالش‌های جدی نظام بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این مدت، بانک‌ها بیشتر به سوی عقود تمایل نشان داده‌اند که بازدهی ثابت داشته است؛ زیرا این نوع عقود همواره از ریسک کمتری برخوردار بوده و بانک هم، نیازی به مشارکت ندارد. درحالی‌که اگر به جای آن‌ها از عقود مشارکتی استفاده شود، بانک باید وارد بخش واقعی اقتصاد شود. مطالعات بانک مرکزی نشان می‌دهد، درحالی‌که درصد مانده تسهیلات اعطایی به عقود مشارکتی مانند مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و مضاربه، به‌طور مدام کاهش یافته، سهم عقود با بازدهی ثابت، یعنی فروش اقساطی، جعاله، سلف و اجاره به‌شرط تملیک رشد داشته است (رضوی، ۱۳۹۳).

۳-۱-۳. چالش‌های فقهی در حوزه برخی مفاهیم نوین پولی-مالی

۳-۱-۳-۱. رمز ارزها (ارزهای دیجیتال)

براساس بعضی پیش‌بینی‌ها، این ارزها در آینده محکوم به شکست و نابودی هستند. به‌نظر برخی، این نوع ارز نظام پولی جهان را تصاحب خواهد کرد. جدای از آینده‌ای که برای این ارزها رقم خواهد خورد، جایگاه تولید، انتشار و تجارت آن از منظر شریعت اسلامی به‌عنوان یک سؤال اساسی مطرح است، زیرا آگاهی از جایگاه فقهی-حقوقی آن برای مسلمانان و برنامه‌ریزان اقتصادی در جامعه اسلامی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (خردمند، ۱۳۹۸).

دراستای تحلیل فقهی رمزارزها، سرفصل‌هایی خاص قابل‌بررسی هستند مانند:

۱) عملیات ماینینگ (معدن کاوی): ماهیت قمارگونه عملیات استخراج پذیرفته نیست، زیرا ماینینگ باینکه به‌صورت رقابتی انجام می‌گیرد، ولی مسابقه رایج درباره آن صدق نمی‌کند، زیرا در عملیات معدن‌کاوی، مبارزه و شکست حریف در میان نیست، بلکه تلاش برای رسیدن به نتیجه است که بدون وجود هیچ رقیبی نیز این دستیابی به نتیجه متصور است. به‌عبارت‌دیگر، رقابت یک

- پدیده عارضی است که به سبب زیاد بودن متقاضیان هش‌گذاری هر بلاک، ایجاد می‌شود (خردمند، ۱۳۹۸)؛
- (۲) هدیه‌ای از طرف شبکه به ماینری که بلاک را هش‌گذاری کند: هبه بودن این پاداش نیز مردود است، زیرا هبه، تملیک عین است. اگر شبکه را به‌عنوان واهب در نظر بگیریم، به سبب خارج بودن آن از هویت انسانی و عاقل و مرید بودن، تملیک آن فاقد اعتبار است. اگر واهب ماینر است که کار خود را به شبکه در برابر پاداش مشخص هبه می‌کند، با مشکل، لزوم عین بودن هدیه و عدم تحقق آن در مورد یک فعالیت روبرو است (خردمند، ۱۳۹۸)؛
- (۳) قرارداد جعاله بین شبکه و ماینر در قالب تعیین پاداش: ایراد جعاله بودن فعالیت ماینری نیز با دقت در تعریف آن واضح می‌گردد. «جعاله عقدی است که در آن، جاعل برای کسی که کاری معین را انجام دهد، پاداش قرار می‌دهد». با توجه به این تعریف، رکن، جعاله جاعلی است که همانند سایر عقود باید از هویتی انسانی برخوردار باشد و شبکه فاقد چنین هویتی است. جاعل پنداشتن مبدع شبکه نیز تصویری دور از واقعیت است، زیرا مبدع این شبکه تمام سعی‌اش طراحی شبکه‌ای غیرمتمرکز، خالی از نظارت و مدیریت و کنترل انحصاری بوده است. ناکاموتو^۶ به‌عنوان مبدع این شبکه (گذشته از تشکیک در وجود چنین شخصی در واقعیت) خودش را از چنین تعهداتی مبرا می‌داند (خردمند، ۱۳۹۸)؛
- (۴) استخراج معدن و گنج‌یابی: همچنین حل مسأله و دریافت پاداش به‌منزله استخراج مواد معدنی یا گنج‌یابی نیست، زیرا مراد از «معدن» در متون دینی چیزی است که از زمین استخراج می‌شود. منظور از «کنز» نیز مال ذخیره‌شده در زیرزمین است. ولی پاداش‌های ماینری بعد از رمزنگاری بلاک تولید می‌شود ضمن اینکه بستر آن اینترنت است و در زمین است (خردمند، ۱۳۹۸)؛
- (۵) حيازت و تملك پاداش عمليات رمزنگاري: عمليات معدن كاوري تا قبل از دریافت پاداش فعالیتی یک‌طرفه و بدون قرارداد قبلی، است. ماینر فعالیتی

آگاهانه را انجام می‌دهد تا در صورت به نتیجه رسیدن، نرم‌افزار سکه‌های دیجیتالی را ایجاد کند و به ماینر تخصیص دهد. پاداش مالی دریافتی مسوق به مالک نیست (خردمند، ۱۳۹۸)؛

۶) وجود چالش‌هایی مانند نبود جواز استفاده برق خریداری‌شده از دولت در فرآیند ماینینگ، تولید گازهای گلخانه‌ای و آلودگی هوا در فعالیت استخراج، چالش پیش‌روی مشارکت در استخراج‌های استخراج، به دلیل امکان حضور افرادی است که به جهاتی همچون نابالغ بودن، سفاقت و دیگر اسباب، محجور بوده و حق تصرف در اموال خود را ندارند و سایر موارد در این حوزه (خردمند، ۱۳۹۸).

۳-۱-۲. معاملات فردایی

*چالش ماهیت حقوقی معاملات فردایی ارز در بازار غیررسمی

با توجه به اینکه در نظام پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران، معاملات آتی ارز به رسمیت شناخته نمی‌شود و براساس مقررات و ضوابط بانک مرکزی انجام این فعالیت‌ها غیرقانونی است، در سال‌های اخیر بازاری غیررسمی در اقتصاد کشور تشکیل شده است که اصطلاحاً بازار معاملات فردایی نام دارد (میثمی و ندری، ۱۳۹۷). اگر از منظر حقوقی به معاملات مذکور نگاه شود به نظر می‌رسد می‌توان آن‌ها را «معامله برروی تغییرات نرخ ارز» در نظر گرفت. در این تصویر حقوقی طرفین هیچ تعهدی جهت انجام بیع در روز آینده به یکدیگر نمی‌دهند، بلکه برروی تغییرات نرخ دلار شرط‌بندی می‌کنند (میثمی و ندری، ۱۳۹۷).

*تحلیل فقهی معاملات فردایی ارز

اگر از منظر فقهی به تصویر حقوقی معاملات فردایی ارز نگاه شود، این معاملات از دو جهت شامل چالش و ابهام هستند:

۱) قماری بودن معامله: سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا

معاملات فردایی ارز مصداق قمار هستند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال

مثبت است؛ زیرا در تصویر حقوقی ارائه‌شده از معاملات فردایی، طرفین

معامله بر روی یک امر کاملاً تصادفی یعنی نرخ ارز در روز آینده به معامله می‌پردازند و هریک از آن‌ها موظف است در صورت خطا، تاوان مشخصی به طرف مقابل بپردازد؛ بنابراین در اینجا هیچ نوع فعالیت واقعی اقتصادی اتفاق نمی‌افتد و صرفاً بر روی متغیری تصادفی (بدون قابلیت قبض و اقباض) شرط‌بندی صورت می‌پذیرد (میشمی و ندری، ۱۳۹۷).

۲) غرری بودن معامله: سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا معاملات فردایی ارز مصداق غرر هستند؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این نیز مثبت است؛ زیرا در تصویر حقوقی ارائه‌شده، با توجه به مبهم بودن عوض و معوض در این معامله، چالش غرر به صورت جدی قابل توجه است، چراکه به لحاظ فقهی وجود ابهام در عوض و معوض معاملات یکی از عوامل اصلی ایجاد غرر محسوب می‌شود (میشمی و ندری، ۱۳۹۷).

۳-۳-۱-۳. فارکس

فارکس اصطلاحی لاتین و برگرفته از دو واژه «Foreign Exchange» و در لغت به معنای تبادل ارز داخلی است. معامله در بازار فارکس به صورت خرید یک ارز و فروش ارزی دیگر در مقابل آن، به طور هم‌زمان است که مقادیری از این خرید و فروش به سبب روابط بین‌المللی نظیر خرید و فروش کالا، خدمات شرکت‌ها با دولت‌ها، هزینه‌های سفر جهانگردان و مواردی از این قبیل انجام می‌گیرد (یوسفی مقدم، ۱۳۹۱). اولین نسل از سیستم‌عامل‌های معاملاتی آنلاین فارکس در سال ۱۹۹۶ میلادی مشاهده گردید (Carmin, 2008) و امروزه معامله به صورت روزافزونی و کاملاً مجازی به وسیله اینترنت انجام می‌شود. از بازار فارکس با عناوین دیگری مانند: «Retail Froex»، «Spot fx»، «Spot»، «FX» نیز تعبیر آورده می‌شود. سرمایه‌گذاران می‌توانند جهت معامله‌گری و سرمایه‌گذاری در این بازار با بهره‌مندی از وام‌های از پیش تعیین‌شده تا صد برابر موجودی خود اعتبار دریافت کرده و با سرمایه‌های کوچک به انجام معاملات بزرگ بپردازند. این در حالی است که پیش از توسعه سیستم فارکس در اواخر دهه ۹۰ میلادی، تجارت فارکس به مؤسسات مالی بزرگ محدود بود (Besyt, 2008). برخلاف

دیگر بازارها، این بازار با فعالیت ۲۴ ساعته با گردش مالی ۱/۵ تریلیون دلار (۳۰ برابر حجم معاملات روزانه بازار سهام و اوراق قرضه و خزانه‌داری آمریکا) در روز همراه است (نوری، امیرحمزه و مختاری افراکتی، ۱۳۹۸).

* شبهات وارده بر فارکس

- ✓ شبهه ربوی بودن فارکس: برخی از فقها ممنوعیت اعلام‌شده را متأثر از ربوی بودن بخش‌هایی از معاملات فارکس دانسته‌اند، یعنی اعتباری که کارگزار به معامله‌گر می‌دهد و بر مبنای آن، خرید و فروش ارز صورت می‌پذیرد را به نوعی قرض به‌شمار آورده‌اند و از آنجایی که خود کارگزار، پس از تحقق معامله دریافت‌کننده سود است، چنین معامله‌ای را منجر به ربای قرضی دانسته‌اند.
- ✓ * شبهه قمار بودن فارکس: شبهه دیگر آن است که فارکس، به دلیل فقدان رعایت جهت شرعی، می‌تواند عاملی برای مال‌باختگی افراد باشد، همان‌گونه که قمار از چنین تبعاتی برخوردار است. لذا مشمول ادله عام شرعی در باب معاملات نظیر وفای به عقود نمی‌گردد و حلیت ندارد.

* چالش عدم مشروعیت معاملات فارکس

عدم مشروعیت معاملات فارکس را می‌توان به استناد دو اصل بدین شرح اثبات نمود: (۱) قاعده لاضرر: استناد به قاعده لاضرر در موضوع بحث، به روند کار در بازار فارکس برمی‌گردد. با این استدلال که علی‌رغم ورود معامله‌گران به این بازار پس از گذراندن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و یا از طریق کسب آگاهی از دیگران، با توجه به پیچیدگی فعالیت در این بازار، تحقق ضرر امری مسلم است، چون خاصیت بازار فارکس و نوسانات آن، وقوع یکی از دو احتمال سودیازیان را می‌طلبد؛ (۲) قاعده غرور: یکی از وجوه استدلال به قاعده غرور در بازار فارکس آن است که به دلیل عدم حضور فیزیکی متعاقبین در فضای مجازی، گاهی اوقات تبادلات ارزی نه به‌طور واقعی، بلکه به‌طور صوری انجام می‌شود، چراکه براساس نظر کارشناسان این عرصه، با توجه به امکان اعمال تغییرات در نرم‌افزار توسط افراد سودجو، نتیجه ایجاد چنین تغییراتی، عدم برقراری ارتباط میان معامله‌گر با بازار تبادلات ارزی خواهد بود؛ ۳- قاعده

مصلحت نظام: مقصود از این قاعده، حفظ نظام از اموری است که از بین برنده هماهنگی و پیوستگی یک جامعه نظام‌مند باشد، به طوری که اختلال در نظام اجتماعی، با اختلال در زندگی اجتماعی و معیشت مردم همراه است (جمال‌زاده و باباخانی، ۱۳۹۶)، از همین رو استدلال به قاعده مصلحت نظام، همچون قاعده لاضرر، پیامدهای اجتماعی حاصل را منتفی می‌سازد (نوری، امیرحمزه و مختاری افراکتی، ۱۳۹۸؛ ۴) قرارداد آتی: قرارداد آتی زیرمجموعه قراردادهایی است که به مشتقات معروف هستند. مشتقات ابزارهایی هستند که بازده آن‌ها تابع تغییرات ارزش دارایی‌های دیگر که به آن‌ها دارایی پایه می‌گویند، است، دارایی‌هایی مانند کالا، سهام، اوراق قرضه، ارز، نرخ بهره، شاخص‌های سهام. اما در جامعه‌ای که فقه و شریعت اسلامی حاکم در روابط بین انسان‌ها است، باید موازین فقهی در انعقاد قراردادها مورد توجه قرار گیرد. از موازین فقهی که فقها و اقتصاددانان مسلمان بر آن تأکید زیادی دارند، تحریم اکل مال به باطل است. در نصوص اسلامی، بر بهره‌گیری صحیح از ثروت‌ها و منابع طبیعی تأکید شده است و انسان‌ها از فعالیت‌های ناسالم اقتصادی و برخوردهای ظالمانه، منع شده‌اند. براساس این اصل اموری که هدف درست عقلایی بر آن مترتب نیست، باطل شمرده می‌شود. قراردادهایی که منجر به سعادت و رفاه جامعه نمی‌شود، بلکه موجب زیان جامعه شده و جامعه را به فساد و نابودی می‌کشاند، مانند معاملات ربوی، غرری، قمار و... ممنوع شده است (حسینی، ۱۳۸۸). لذا در همین راستا اهم موارد فقهی چالش‌برانگیز و اشکال‌آمیز در قرارداد آتی شامل: مؤجل بودن مثنی و عدم قبض ثمن در مجلس عقد، کلی بودن مثنی فی‌الذمه و عدم ردوبدل چیزی در زمان عقد، عدم لازم الوفا بودن تعهد در صورتی که طرفین هم‌اکنون متعهد به انجام قرارداد در آینده شوند و در نهایت اگر بازار آتی این‌گونه طراحی شود که طرفین در مقابل یکدیگر متعهد به اجرای قرارداد در آینده شوند، تسویه حساب روزانه به شکل فوق در صورتی که بازار آتی صرفاً تعهد به انجام قرارداد در آینده باشد، توجیه فقهی نمی‌تواند داشته باشد، زیرا اولاً تسویه حساب روزانه از اجزای مهم قرارداد در آینده، مشروط بر اینکه متناسب با تغییر قیمت دارایی تسویه حساب روزانه صورت گیرد، به نظر می‌رسد اکل مال به باطل

باشد، به‌خصوص با در نظر گرفتن این موضوع که این تعهدات معمولاً به سرانجام نمی‌رسد (خردمند، ۱۳۹۸).

۲-۳. چالش‌های بانکداری اسلامی در جهان

۱-۲-۳. چالش‌ها در حوزه تأمین مالی اسلامی

۱-۱-۲-۳. پیچیدگی‌های حل اختلاف‌ها درباره تأمین مالی اسلامی

یکی از چالش‌هایی که هنوز در مقابل صنعت بانکداری اسلامی در زمینه تطابق با شریعت وجود دارد، نبود یک چارچوب قانونی مناسب است که بر اختلاف‌های ناشی از قراردادهای تابع شریعت، اعمال شود. صنعت تأمین مالی اسلامی، هنوز نتوانسته با خطر رویه‌های مدیریتی صنعت تأمین مالی کلاسیک در مواقع بحران مقابله کند و هنگامی که کارها به‌خوبی پیش نمی‌رود - مثلاً در صورت عدم پرداخت بدهی، آیین‌های روشن و دقیقی برای حل اختلاف‌ها، ارائه نکرده است - این امر باعث شده است که همچنان روش‌های سنتی حل اختلاف تا حد زیادی برای صنعت تأمین مالی اسلامی نیز به‌کار گرفته شوند (Maita, 2014).

۲-۱-۲-۳. سابقه استفاده از دادگاه‌های دولتی برای حل اختلاف‌های بین‌المللی تأمین مالی اسلامی

برای مدت درازی در خاورمیانه، رویه اکثر طرف‌های قراردادهای تأمین مالی اسلامی، توافق بر اعمال قانون انگلستان یا مقررات نیویورک به‌عنوان قانون حاکم بر قرارداد بود. به‌نظر می‌رسد پذیرش این امر توسط برخی دولت‌ها، به‌دلیل پیروی ایشان از راهبرد بازرگانی بسیاری از مؤسسات مالی اسلامی بود. وضعیت مزبور، اساساً هم‌جهت با سازوکار حل اختلاف‌ها در تأمین مالی عرفی و کلاسیک بوده است و در همان حال، هر دو نظام ذکرشده، یک معیار قابل پیش‌بینی ارائه می‌دهند و نظام‌های حقوقی مربوطه آن‌ها برای اجرای مؤثر رأی آتی الصدور، به سهولت مورد مراجعه قرار می‌گیرند. به‌علاوه طرفین قراردادهای تأمین مالی اسلامی دادرسی دادگاه‌های دولتی را به دیگر روش‌های جایگزین حل اختلاف مانند داوری ترجیح می‌دادند. این امر می‌تواند به‌دلیل تردیدهای مطروحه در مورد داوری‌پذیری موضوع‌های شرعی باشد یا اینکه طرفین

ممکن است معتقد باشند رسیدگی قضایی به آن‌ها اطمینان بیشتری در مقایسه با سایر روش‌های حل اختلاف می‌دهد (Maita, 2014). در تلاش برای همانند کردن موافقت‌نامه‌های تأمین مالی با اصول شریعت، طرفین قراردادهای مزبور، در قرارداد خود، حقوق اسلامی را به‌عنوان قانون حاکم بر موافقت‌نامه، درج می‌کنند. یکی از نمونه‌های قابل‌مطالعه در این خصوص، پرونده مشهور *Shamil (The Shamil Case) Bank of Bahrain v. Baximco Pharmaceuticals* است. شخصی به نام بکسیمکو^۷ یک موافقت‌نامه مرابحه با بانک شامل به ارزش حدود ۴۷ میلیون دلار منعقد کرد. (Colan, 2011). در قرارداد مرابحه اسلامی مذکور، متن زیر به‌عنوان شرط قانون حاکم درج شده بود: «این موافقت‌نامه مشروط به اصول شکوهمند شریعت، باید مطابق با قانون انگلستان تفسیر شود». در این پرونده، خواننده استدلال کرد که براساس ساختار صحیح شرط قانون حاکم، موافقت‌نامه فقط در صورتی معتبر است که اولاً همانند اصول شریعت و ثانیاً همانند با قانون انگلستان باشد. دادگاه تجدیدنظر استدلال را رد کرد و حکم داد که قراردادهای مالی فقط توسط قانون انگلستان حکومت می‌شوند (Jindan, 2009-2010). بدین ترتیب دادگاه تجدیدنظر استدلال‌های خواننده را مبنی بر اینکه موافقت‌نامه بی‌اعتبار و غیرقابل اجراست را رد کرد. درحالی‌که دادگاه مزبور، در مورد عدم تطابق موافقت‌نامه با شریعت، موافق با خواننده بود. دادگاه مزبور، اعتقاد داشت که مقررات شریعت، صلاحیت اعمال بر موافقت‌نامه را ندارد، زیرا مقررات مزبور مشتمل بر اصول مبهمی است (Jaimez, 2014). رویکرد تعقیب شده در این پرونده رویه دادگاه‌های انگلیسی را در مورد قانون حاکم بر تأمین مالی اسلامی شکل داد و در پرونده‌های متعاقب مورد حکم قرار گرفت (Maita, 2014). ازاین‌رو در این پرونده، معامله‌ای که مطابق با شریعت نبود، توسط دادگاه حقوقی معتبر و قابل‌اجرا شناخته شد. بر این اساس، بانک توانست مبالغ ادعایی یعنی قیمت موردتوافق با احتساب بهره را به‌رغم مغایرت با شریعت، استرداد کند. روشن است که اگر نتیجه تمامی پرونده‌های مربوط به تأمین مالی اسلامی، همین‌گونه رقم بخورد، هدف ترویج خدمات بانکی و مالی منطبق با شریعت، ناکام خواهد ماند (Maita, 2014).

۳-۲-۱-۳. چالش‌های ارجاع به شریعت در شرط قانون حاکم برای تأمین مالی اسلامی از جنبه داخلی، بعضی نظام‌های حقوقی مسلمان توانسته‌اند یک مبنای تطابق با شریعت را ایجاد کنند که حل اختلاف‌های تأمین مالی اسلامی را با قانون شریعت مقرر می‌کند که تنظیم‌کننده جنبه‌های خاص قانون حاکم بر موافقت‌نامه است. برای نمونه، اندونزی یک هیأت تخصصی مشهور به باسیارناس^۱ یا نهاد داوری شریعت ملی تأسیس کرد که صلاحیت رسیدگی به اختلاف‌های تأمین مالی اسلامی را در حوزه اختیارات خویش دارد (Radzi & Muhamed, 2012) و طرفین می‌توانند با درج شرط موردنظر در قرارداد فی‌مابین، مقررات نهاد مزبور را حاکم بر حل اختلاف‌های بین خود کنند. در همین راستا، مالزی نیز هیأت مشورتی شرعی بانک مرکزی را تأسیس کرد که به دادگاه‌ها و هیأت‌های داوری در مالزی درباره موضوع‌های شرعی مربوط مساعدت می‌کند (Maita, 2014). لیکن از جنبه بین‌المللی، مسأله‌ای که ظاهراً در هر اختلاف دارای عنصر شریعت وجود دارد، این است که آیا شریعت یا حقوق اسلامی می‌تواند به‌عنوان قانون حاکم بر قرارداد اعمال شود؟ تجربه دادگاه‌ها و هیأت‌های داوری غربی نشان می‌دهد که رویه غالب، بر آن است که شریعت نمی‌تواند به‌عنوان قانون حاکم انتخاب شود، زیرا دارای قانون مدون نیست و قابلیت تفاسیر مختلف دارد. در مورد تأمین مالی اسلامی، پرونده Shami Bank ذکر شده و پرونده‌های بعدی متأثر از آن، رویه غرب را در گنجانیدن شریعت در شرط قانون حاکم بر یک قرارداد نشان داد. استدلال‌هایی که برای رد شریعت به‌عنوان قانون حاکم بر موضوع پرونده مزبور، ارائه شده، ملاحظات متعددی را دربر دارد. از یک سو بیان شده که عبارت «مشروط به اصول شکوهمند شریعت» در شرط قانون حاکم در پرونده مزبور، تنها چشم‌انداز اخلاقی بانک را بیان می‌کند که اقدام‌های بازرگانی خود را همانند با اصول شریعت انجام می‌دهد و به این معنا نیست که مقررات شریعت بر اعمال قانون انگلستان به‌عنوان قانون حاکم برتری یابد (Jindan, 2009-2010).

به‌هرحال در پرونده بانک شامل بحرین، قاضی این‌گونه استنباط کرد که حتی اگر اصول حقوق اسلام به‌عنوان اصول قانونی شناسایی شوند. بعید است که درنهایت، طرفین به‌راستی از دادگاه درخواست کنند که وارد مسائل قابل مناقشه دین و سنت اسلامی شود، به‌خصوص هنگامی که بانک ذکرشده دارای هیأت مذهبی بوده که با نظر و برداشت خود هیأت، پیروی بانک از اصول حقوقی اسلامی در زمینه بانکداری بین‌المللی، کنترل شده است (Radzi & Muhamed, 2012; Jaimaz, 2014). تلقی دادگاه در پرونده مورد اشاره این بود که هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که چه در زمان انعقاد موافقت‌نامه یا در هر زمانی پیش از اینکه دفاع شریعت را «ابداع وکیل خوانده» تشخیص داده و از تفسیری که مخل اهداف تجاری اسناد است روی گرداند (Maita, 2014).

پرونده بانک بحرین، بسیاری از مشکلاتی را که صنعت بانکداری اسلامی در به‌کارگیری شریعت به‌عنوان قانون حاکم با آن روبه‌روست، برای طرفداران و هواداران تأمین مالی اسلامی آشکار کرد، امری که می‌تواند به‌عنوان یک نقطه‌ضعف در ترویج و رشد جهانی تأمین مالی اسلامی تلقی شود. این پرونده به نبود قانون مدون در حقوق شرعی، به‌عنوان یکی از تنگناهای بانکداری اسلامی کرده است و عملاً ضرورت استانداردسازی و انسجام در این خصوص را گوشزد نمود. مبحث زیر، ضرورت این امر و برخی تلاش‌های صورت گرفته در این جهت را مورد طرح و بحث قرار می‌دهد (معبودی نیشابوری و ایروانی، ۱۳۹۴).

۳-۲-۱-۴. تدوین قانون (استانداردسازی) شریعت

جهان اسلام فاقد مرجع مذهبی مرکزی است که بتواند قواعد مذهبی قطعی و مشخصی مقرر کند. این امر تا حد زیادی در نتیجه تفاسیر متنوع اصول مذهبی به‌کار گرفته شده توسط مکاتب فکری مختلف در سراسر جهان اسلام است. برای مثال، حتی یک فتوا توسط الازهر (نهاد مذهبی مشهور و مورد احترام در خاورمیانه) یک عقیده مذهبی غیر الزام‌آور است. از این رو، مؤسسات اسلامی، هیأت‌های شرعی خود را برای تطبیق موضوع‌های مالی با شریعت به‌کار می‌گیرند. هیأت‌های مزبور در درک اینکه آیا یک

موضوع یا موافقت‌نامه، منطبق با شریعت است یا خیر، آزادی عمل زیادی دارند که در به‌وجودآوردن محصولات در معاملات مختلف، به‌طور متفاوتی تفسیر می‌شوند و موجب عدم قطعیت در خصوص کیفیت فعالیت‌های بازرگانی در نظام مالی اسلامی می‌شود. این امر ارزیابی احتمالی را برای هردوی مؤسسات مالی و مراجعان آن به شدت مشکل می‌سازد (Maita, 2014).

بسیاری از نویسندگان تأکید می‌کنند نیاز مبرمی برای استانداردسازی در صنعت تأمین مالی اسلامی وجود دارد و این امر، تبدیل به یک مسأله بغرنج در این زمینه شده و همچنان به‌عنوان یکی از مشکلات عمده در مقابل صنعت مزبور باقی‌مانده است. از آنجاکه آرمان اصلی صنعت بانکداری اسلامی، همانندی با اصول شریعت است، استانداردسازی صنعت پیش‌گفته تا حد زیادی بستگی به برقراری تفسیر و تدوین موردقبول جهانی از مقررات شریعت دارد (معبودی نیشابوری و ایروانی، ۱۳۹۴).

صنعت تأمین مالی اسلامی، بسیاری از نهادهای مشهور بین‌المللی را تأسیس کرده است که به گسترش چنین استانداردهای نظم‌دهنده مشترکی، مأموریت یافته‌اند. هیأت خدمات مالی اسلامی^۹، سازمان بازار مالی اسلامی بین‌المللی^{۱۰}، آژانس بین‌المللی رتبه‌بندی اسلامی^{۱۱} و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی از جمله چنین نهادهایی هستند. اگرچه نهادهای مزبور موفقیت نسبی در گسترش استانداردها و مقررات در جنبه‌های مختلف صنعت تأمین مالی اسلامی داشته‌اند، لیکن به‌نظر می‌رسد آن‌ها نیز در رویارویی و پاسخ‌گویی به مسائل اصلی که مرتبط و متناسب با حقوق شرعی باشند، با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. به‌عنوان مثال، هیأت خدمات مالی اسلامی، در سال ۲۰۰۹ میلادی گزارش ارائه داد که مشتمل بر مجموعه‌ای از اصول راهنما در مورد نظام‌های حکومت شرعی برای صنعت تأمین مالی اسلامی است.

اگرچه هیأت مزبور امید دارد که همانندی با قواعد و اصول شریعت را از طریق این اصول راهنما، تأمین کند، اما با بررسی گزارش هیأت خدمات مالی، مشخص می‌شود که تمرکز اصول راهنما در مورد چگونگی به‌دست‌آوردن یک قاعده منسجم و

9. Islamic Financial Services Board (IFSB)

10. International Islamic Financial Market Organization (IIFM)

11. International Islamic Rating Agency (IIRA)

یکسان در خصوص تطابق معاملات مالی با قانون شریعت تمرکز شود. سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی نیز در ارائه استانداردهای مدون شریعت در جنبه‌های متعدد معاملات و رویه‌های بازرگانی صنعت بانکداری تلاش‌هایی کرده است. سازمان مذکور، ۴۵ استاندارد حقوقی شرعی منتشر کرده که سرانجام می‌تواند به‌عنوان نظامی از اصول صالح برای حکومت بر بخشی از یک موافقت‌نامه تأمین مالی اسلامی توسط دادگاه‌های اروپایی پذیرفته شود. لیکن این استانداردها کامل نیستند و مهم‌تر آنکه تاکنون دربردارنده هیچ استانداردی در مورد شرط قانون حاکم نبوده‌اند. سرانجام، باید اذعان کرد که پذیرش و اجرای چنین استانداردهای یکسان و مدونی در اکثر نظام‌های حقوقی اسلامی، به‌خصوص در خاورمیانه که اکثر کشورها فاقد قانون‌گذاری تأمین مالی اسلامی مستقل هستند، بسیار اندک بوده و معاملات تأمین مالی اسلامی، بیشتر تحت حکومت قوانین بازرگانی کلاسیک و عرفی واقع می‌شوند (Maita, 2014).

۳-۲-۱-۵. ضرورت گرایش به روش‌های جایگزین حل اختلاف در تأمین مالی اسلامی
 چارچوب حقوقی کنونی برای حل اختلاف در صنعت بانکداری و تأمین مالی اسلامی در کشورهای در حال توسعه به قدر کافی اهداف موردنظر را تأمین نمی‌کند، بلکه لازم است که یک نهاد ویژه که دربردارنده کارشناسان متبحر و متخصص در زمینه تأمین مالی اسلامی و حقوق شرعی هستند، تأسیس شود و از این طریق اسلامی کردن کامل تمامی معاملات بانکی و مالی به نحو مطلوب محقق شود. در غیراین صورت، صدور آراء متعارض دادگاه‌های دولتی کشورهای مختلف در رسیدگی به اختلاف‌های تأمین مالی اسلامی، مانع تحقق اهداف تأمین مالی اسلامی و سودبخشی آن است. در نبود نهادهای رسیدگی‌کننده متخصص در زمینه تأمین مالی اسلامی، چاره‌ای نیست جز اینکه اختلاف‌های میان مؤسسات مالی اسلامی و مشتریان آن‌ها، توسط دادگاه‌های ملی در مورد رسیدگی قرار گیرد که این ممکن است به آرای منجر شود که مطابق با قواعد شرعی نباشد. مسأله زمانی وخیم‌تر می‌شود که در کشور متبوع دادگاه رسیدگی‌کننده، هیچ رویه بانکی یا قانونی ماهوی در خصوص تأمین مالی اسلامی وجود نداشته باشد.

علاوه بر این، اگرچه قراردادهای منعقد شده توسط طرفین ممکن است در اولین وهله مطابق با شریعت باشد، لیکن در مورد اجرای قراردادها، دادگاه‌ها ممکن است دستورات و آرای صادر کنند که اصول حقوقی اسلامی را کنار بگذارند.

۳-۲-۲. چالش‌ها در حوزه انواع ریسک‌ها

در یک تقسیم‌بندی در رابطه با بانک‌های متعارف و اسلامی می‌توان آن‌ها را به ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی و ریسک اعتبارات و به‌طور خاص ریسک شریعت در بانکداری اسلامی، تقسیم کرد (صمدی و پروین، ۱۳۹۴).

۳-۲-۲-۱. ریسک شریعت

ریسک شریعت از جمله تفاوت‌هایی است که بین دو نظام بانکی اسلامی و متعارف وجود دارد و آن خطری است که بانک‌های اسلامی را از ناحیه همخوانی نداشتن فعالیت‌هایشان با تعالیم اسلامی تهدید می‌کند. ممکن است برای بانک‌های متعارف سلامت مالی کفایت کند، لیکن درباره بانک‌های اسلامی انطباق با اصول شریعت نیز به همان اندازه مهم و ضروری است. همان‌گونه که بانک‌های اسلامی به علت بی‌احتیاطی مالی ممکن است با شکست روبه‌رو شوند، عدم انطباق با شریعت نیز می‌تواند همین سرنوشت را برای بانک اسلامی به دنبال داشته باشد.

۳-۲-۲-۲. ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی، ریسک نبود وجه نقد برای بازپرداخت تعهدات است. از سویی اکثر ابزارهای سنتی در مدیریت نقدینگی در بانکداری متعارف مبتنی بر بهره بوده و بانک‌های اسلامی مجاز به استفاده از آن‌ها نیست و از سوی دیگر بانک‌های اسلامی به دلیل به‌کارگیری ابزارهای متفاوت نسبت به بانک‌های متعارف در مدیریت نقدینگی با مشکلاتی روبه‌رو هستند. این باعث شده است در زمانی که حجم بالای نقدینگی وجود دارد به دلیل نبود ابزارهای کافی و مناسب جهت مدیریت آن، اسباب افزایش هزینه فرصت برای آن‌ها شود. آمارها نشان می‌دهد که در این زمینه بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های سنتی از رقابت‌پذیری کمتری برخوردارند (سوری و وصال، ۱۳۸۷).

۳-۲-۳. ریسک اعتباری

در ریسک اعتباری بین بانکداری اسلامی و متعارف تفاوت‌هایی وجود دارد. در بانکداری متعارف براساس وثیقه وام می‌دهند. به علت تأکید بانک‌های اسلامی بر مشارکت سپرده‌گذاران در ریسک و سود دریافتی حاصل از تسهیلات اعطایی، ریسک اعتباری اهمیت ویژه‌ای دارد. لیکن از آنجاکه در قراردادهای مشارکتی ما شریک هستیم. مشکلاتی از جمله به سود نرسیدن طرح، دیر به سود رسیدن و اینکه در زمان مورد توافق طرح به سود نرسد و آن‌گونه که انتظار داشته‌ایم طرح سودآوری نداشته باشد و از طرف دیگر ممکن است به علت بی‌صدقتی طرفین در طرح مشارکتی، سود واقعی گزارش نشود و شریک ادعای خسارت هم بکند (که از آن به‌عنوان کژمنشی تعبیر می‌شود) این عوامل باعث افزایش یافتن ریسک اعتباری بانک‌های اسلامی شده است (صمدی و پروین، ۱۳۹۴).

۳-۲-۴. ریسک تغییر قیمت

این ریسک به علت نوسان‌ها و تغییرات شدید قیمت دارایی‌ها و موجودی‌ها نزد بانک پدید می‌آید (ابوالحسنی هستیانی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷). تورم از راه‌های گوناگونی نظام بانکی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از این راه‌ها اثرگذاری بر ریسک بانک‌ها است. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم)، بهای تمام‌شده کلیه نهاده‌های یک شرکت افزایش یافته و سرانجام عملکرد شرکت را متأثر می‌سازد. این ریسک به ریسک قدرت خرید نیز مشهور است. بانک‌های اسلامی به دلیل ماهیت برخی از عقود در معرض این ریسک قرار دارند، به‌ویژه در قراردادهای سلف که در شرایط تورمی و بی‌ثباتی قیمت ریسک نظام بانکی به‌واسطه افزایش قیمت افزایش می‌یابد (صمدی و پروین، ۱۳۹۴).

۳-۲-۵. ریسک عدم تعدیل نرخ سود

عدم تعدیل نرخ سود، به‌ویژه در عقود مبادله‌ای، مشکل‌هایی را برای نظام بانکی بدون‌ربا وجود آورده است و باعث ریسک عدم تعدیل می‌شود (ابوالحسنی هستیانی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷). نرخ سود و تغییرات آن در اقتصاد یکی از عواملی مهم ریسک مالی محسوب می‌شود. در صورتی که سازمان‌ها برخی از دارایی‌های خود را به‌صورت

دارایی‌های مالی نگهداری کنند، با این ریسک روبه‌رو خواهند شد. ارقام ترازنامه بانک‌ها درآمدها و هزینه‌هایی را دربردارند که به‌نحوی با نرخ سود در ارتباط است. عدم تعدیل نرخ سود در شرایط تورمی مشکلاتی را برای نظام بانکی به همراه دارد.

۳-۲-۲-۶. ریسک جایز بودن قراردادها و عقود

اینکه عقدی جایز باشد و هرکدام از طرفین بتوانند آن را برهم بزنند ازجمله ریسک‌هایی است که در نظام بانکی بدون‌ریا به سبب ماهیت برخی قراردادها وجود دارد، هرچند با استفاده از قرارداد صلح باعث کاهش و مدیریت این ریسک‌ها شده است. ولی ایرادهایی از سوی برخی متشرعین بر آن وارد شده است ازجمله اینکه با اینکار ماهیت عقد تغییر می‌کند.

۳-۲-۲-۷. ریسک اعتماد

شاید بتوان گفت مهم‌ترین ریسکی که نظام بانکی متعارف و به‌تبع آن نظام بانکی اسلامی را تحدید می‌کند، کاهش اعتماد سپرده‌گذاران به نظام بانکی به سبب دلایلی مانند خطر ورشکستگی نظام بانکی و ثبات آن و در نظام بانکی اسلامی به دلایلی ازجمله صوری شدن معاملات در بانک‌ها و بی‌اعتمادی مسلمانان به عملکرد شرعی بانک‌های اسلامی ایجاد می‌شود.

۳-۲-۲-۸. ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی هنگامی پدیدار می‌شود که بانک‌ها عملیات خود را به دلایل مختلف به‌خوبی انجام ندهند. ازجمله علل وقوع این نوع ریسک تخصص ناکافی و آموزش کارکنان در اجرای عقدهای اسلامی، نبود یک سامانه پایش و کنترل برای نظارت بر کارکنان و نظام بانکی و قراردادها، نبود نرم‌افزارهای جامع حسابداری براساس قراردادهای مالی اسلامی و... است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی گردید که ابعاد چالش‌های بانکداری اسلامی از دو منظر داخلی و جهانی به‌نحوی جامع موردبررسی قرار گیرد. در زمینه چالش‌های بانکداری اسلامی،

البته بعد از گذشت نزدیک به چهل سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، نوشته‌ها، تحقیقات و مطالب فراوانی شکل گرفته است. در طول این مدت نیز در راستای برطرف نمودن آن‌ها، راه‌حل‌هایی نیز ارائه و به اجراء گذاشته شده است. لذا با اذعان بر این مطلب که برخی از چالش‌ها نیز برطرف شده است اما هنوز هم نظام بانکداری اسلامی درگیر چالش‌هایی است که برخی از آن‌ها از سابقه‌ای نسبتاً بلندمدت برخوردار هستند. در همین راستا و به منظور ریشه‌یابی چالش‌ها به نظر می‌رسد مهم‌تر از شناخت خود چالش‌ها، درک درست و صحیح جنبه‌ها و ابعاد چالش‌های مقابل نهادینه شدن نظام بانکداری اسلامی، علی‌الخصوص در جمهوری اسلامی ایران و علی‌العموم در جهان است. بر همین اساس همان‌طور که اشاره گردید سعی شد به منظور اجتناب از تکرار، با نگاهی تقریباً همه‌جانبه، ابعاد این چالش‌ها مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند. در همین راستا، در بُعد داخلی، اساسی‌ترین چالشی که هنوز هم بعد از گذشت نزدیک به چهاردهه از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و متأسفانه کمتر هم به آن توجه شده است، چالش نبود قصد و نیت در عقود طبق قاعده «العقود تابعه للقصد»، علی‌الخصوص در مورد مفهوم «قرض الحسنه» است که شاید بتوان ادعا نمود اساس و مبنای تفکر و اندیشه اسلامی در زمینه‌ی ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفهوم اقتصاد یعنی «پول» در فضای «قرض الحسنه» معنا و تجلی پیدا می‌نماید. در همین راستا پیشنهاد می‌گردد که مطالعات آتی پیرامون چالش‌های بانکداری اسلامی علاوه بر توجه به سایر ابعاد چالش‌ها، تمرکز اصلی خود را بر روی چگونگی شکل‌گیری یک نظام فرهنگی در تناسب با درک درست و مبنائی جامعه از عقد قرض الحسنه، قرار دهند. در زمینه ابعاد چالش‌های بانکداری اسلامی در جهان، علاوه بر توجه به ابعاد سازمانی (نهادی) چالش‌ها، به نظر می‌رسد با توجه به جهانی‌شدن و آزادسازی اقتصاد، مهم‌ترین چالش، نبود ساختار مناسب بانک‌های اسلامی در رقابت با بانک‌های متعارف در جهان است. چراکه بانک‌های متعارف، خصوصاً بانک‌های غربی، در مقابل بانک‌های اسلامی دارای برتری‌های زیادی در اندازی مناسب، تجربه، پوشش بازاری و کهنه‌کاری در صنعت بانکداری هستند که این موارد بانک‌های اسلامی را در معرض یک رقابت

نابرابر با بانک‌های متعارف قرار می‌دهد. بنابراین، بقای بانک‌های اسلامی به میزان توانایی آن‌ها در افزایش کارایی و عملکرد بستگی دارد. لذا در همین راستا پیشنهاد می‌گردد، ضمن افزایش کارایی در حوزه‌های مختلف بانکداری به‌عنوان یک صنعت در حال تکامل مستمر، به‌منظور فعالیت مؤثر در بازارهای جهانی، مطلوب است سطح عملکرد بانک‌های اسلامی افزایش یابد. بدین‌منظور به بحث ادغام بانک‌های اسلامی توجه کافی مبذول گردد. بانک‌های اسلامی مجبورند حجم فعالیت‌های خود را افزایش داده و همچنین پیمان‌های راهبردی با بانک‌های دیگر را شکل دهند. همچنین ایجاد ارتباط بین بانک‌های اسلامی موجود و آن دسته از بانک‌های متعارفی که علاقه‌مند به انجام بانکداری براساس اصول اسلامی هستند، مفید خواهد بود.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسندگان، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله دکتری و طرح پژوهشی نیست.

کتابنامه

۱. ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ و حسنی مقدم، رفیع (۱۳۹۴). بررسی مزیت‌های مشارکت تقلیلی به‌عنوان ابزاری نوین در بانکداری اسلامی. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
2. Abolhasani Hastiani, A; & Hosni Moghadam, R., (2014). *Examining the Advantages of Reduced Participation as a New Tool in Islamic Banking*. Iran, Tehran: Proceedings of the 26th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۳. ابوالحسنی، اصغر؛ و حسنی مقدم، رفیع (۱۳۸۷). بررسی انواع ریسک‌ها و روش‌های مدیریت آن در نظام بانکداری بدون‌ربای ایران. *اقتصاد اسلامی*، ۸(۳۰)، ۱۴۵-۱۷۲.
4. Abolhasani, A; & Hosni Moghadam, R., (2007). Examining the Types of Risks and Their Management Methods in the Iranian Banking System without Extortion. *Islamic Economy*, 8(30), 145-172. (In Persian).
۵. اقبال، منور؛ احمد، اوصاف؛ و خان، طریق‌الله (۱۳۹۰). چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی (حسین میثمی و مسلم بمانپور: مترجمان). ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
6. Iqbal, M; Ahmed, U; & Khan, T., (2010). *Challenges Facing Islamic Banking* (Hossein Maithami and Muslim Bamanpour: Translators). Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۷. احمدیه، مجید (۱۳۹۴). بررسی نقش قاعده العقود تابعه للقصد در بهبود شیوه‌های اجرایی تجهیز و تخصیص منابع بانکی. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
8. Ahmadiyya, M., (2014). *Examining the Role of the Rule of Contracts Subject to Intention in Improving the Implementation Methods of Equipping and Allocating Bank Resources*. Iran, Tehran: Proceedings of the 26th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۹. الهام، صادق؛ و امساک، نوید (۱۳۹۸). بررسی تابعیت عقد از قصد در معاملات بانکی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸(۱۶)، ۲۵۵-۲۷۶. DOI: [10.30497/ifr.2019.2321](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2321)
10. Elham, S., & Emsaki, N. (2019). Investigating the Dependence of Contracts to the Parties' Intention in Banking Transactions. *"Islamic Finance Researches" (IFR)*, 8(16), 255-276. DOI: [10.30497/ifr.2019.2321](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2321) (In Persian).

۱۱. بنی‌طبا، سیدمهدی؛ و روحانی، سیدعلی (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی نقش نقض در قوانین و ضعف نظارت در انحراف منابع قرض‌الحسنه نظام بانکی. ایران، تهران: مجموعه مقالات سی‌امین همایش بانکداری اسلامی.
12. Banitaba, S, M; & Rouhani, S, A., (2018). *Pathology of the Role of Violations in the Laws and the Weakness of Supervision in the Diversion of Loan Resources of the Banking System*. Iran, Tehran: Proceedings of the 30th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۱۳. تسخیری، محمدعلی (۱۳۷۶). کارت‌های اعتباری دیدگاه‌های فقهی درباره آن. ایران، تهران: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی.
14. Taskhiri, M, A., (1376). *Credit Cards, Legal Opinions About it*. Iran, Tehran: Collection of Lectures and Articles of the 8th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۱۵. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹). پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری (چاپ اول). ایران، تهران: زلال.
16. Totunchian, Iraj (1379). *Islamic Money and Banking and its Comparison with the Capitalist System* (First Edition). Iran, Tehran: Zalal. (In Persian).
۱۷. جمال‌زاده، ناصر؛ و باباخانی، مجتبی (۱۳۹۶). کاربرد قاعده حفظ نظام در اندیشه فقهی سیاسی امام خمینی (ره). دانش سیاسی، ۱۳(۲۵)، ۵-۳۹. DOI: 10.30497/pk.2017.2010 (In Persian).
18. Jamalzadeh, N., & Babakhani, M. (2017). Application of the Principle of Preserving the System in Imam Khomeini's Jurisprudential and Political Thought. *Political Knowledge*, 13(25), 5-39. DOI: 10.30497/pk.2017.2010 (In Persian).
۱۹. توکلی، محمدجواد (۱۳۹۴). بررسی ظرفیت بیمه تسهیلات جهت کاهش معوقات بانکی در بانکداری اسلامی. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
20. Tavakli, M, J., (2014). *Investigating the Capacity of Facility Insurance to Reduce Bank Arrears in Islamic Banking*. Iran, Tehran: Proceedings of the 26th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۲۱. حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۸). قرارداد آتی و چالش‌های فقهی آن. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۳(۳)، ۹۳-۱۱۷. DOI: 10.30497/ies.2009.1070

22. Hoseini, S. M. (2009). Futures Contracts and the Jurisprudential Challenges. *Islamic Economics Studies*, 2(1), 93-117. DOI: [10.30497/ies.2009.1070](https://doi.org/10.30497/ies.2009.1070) (In Persian).
۲۳. خردمند، محسن (۱۳۹۸). بررسی فقهی استخراج و مبادله رمزارزها با تمرکز بر شبکه بیت‌کوین. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۲۰)، ۱۰۹-۱۲۴.
24. Khordmand, M., (2018). Jurisprudential Review of Cryptocurrency Mining and Exchange with a Focus on the Bitcoin Network. *Knowledge of Islamic Economics*, 10(20), 109-124. (In Persian).
۲۵. خطیبی، مهدی (۱۴۰۰). مبانی فقهی تعامل نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران با بانک‌ها و نهادهای خارجی و بین‌المللی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰(۲)، ۷۵۷-۷۸۸.
DOI: [10.30497/ifr.2021.241023.1624](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.241023.1624)
26. Khatibi, M. (2021). Jurisprudential Principles of the Country's Banking System Interaction with Foreign and International Banks and Institutions. *"Islamic Finance Researches" (IFR)*, 10(20), 757-788.
DOI: [10.30497/ifr.2021.241023.1624](https://doi.org/10.30497/ifr.2021.241023.1624) (In Persian).
۲۷. داودی‌نصر، مجید؛ کرمعلی، سعیده؛ و هدایتی، محمد (۱۳۹۲). *بانکداری اسلامی، راهکارها و چالش‌های مدیریت نقدینگی*. ایران، تهران: نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی بانکی.
28. Davodinasr, M; Karamali, S; & Hedayati, M., (1392). *Islamic Banking, Liquidity Management Solutions and Challenges*. Iran, Tehran: First National Conference on the Development of Banking Monetary Management. (In Persian).
۲۹. ذاکرنیا، احسان؛ و زین‌الدینی، مجید (۱۳۹۸). اهمیت عوامل مؤثر بر تشدید ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربا برای ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۸(۱۶)، ۳۳۹-۳۷۶.
DOI: [10.30497/ifr.2019.2322](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2322)
30. Zakernia, E., & Zeynodini, M. (2019). Evaluation of Internal Communication and Importance of the Factors Affecting Credit Risk in Iran's Riba-Free Banking System. *"Islamic Finance Researches" (IFR)*, 8(16), 339-376. DOI: [10.30497/ifr.2019.2322](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2322) (In Persian).
۳۱. لطف‌آبادی، رجایی؛ صادق‌پور، رسول؛ و مختاری اردکان، امیرحسین (۱۳۹۳). بررسی بانکداری اسلامی و فرصت‌ها و چالش‌های فراروی آن. ایران، شیراز: کنفرانس توانمندسازی اصلاح رفتارهای اقتصادی.
32. Lotfabadi, Ri; Sadeghpour, R; & Mokhtari Ardakan, A, H., (2013). *Examining Islamic Banking and its Opportunities and Challenges*. Iran,

- Shiraz: Empowering Conference on Reforming Economic Behaviors. (In Persian).
۳۳. رستمی، محمدزمان (۱۳۹۰). چالش‌های مفهومی ربا، بهره و بهره تعادلی (شیوه برخورد قرآن کریم با مفساد اقتصادی). *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۱)، ۱۸۹-۲۱۶.
34. Rostami, M, Z., (2010). Conceptual Challenges of Usury, Interest and Equilibrium Interest (the way the Holy Quran deals with Economic Corruption). *Islamic Economy*, 11(41), 189-216.
۳۵. رضوی، مهدی (۱۳۹۳). *بانکداری اسلامی در ایران، تاریخچه، عملکرد و برنامه‌ریزی* (چاپ اول). ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران.
36. Razavi, M., (2013). *Islamic Banking in Iran, History, Performance and Planning* (First Edition). Iran, Tehran: Higher Institute of Banking Education of Iran. (In Persian).
۳۷. سوری، داوود؛ و وصال، محمد (۱۳۸۷). *روش‌های نوین تأمین مالی و مدیریت نقدینگی در بانک*. ایران، تهران: نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
38. Suri, D; & Wasal, M., (2007). *New Methods of Financing and Liquidity Management in the Bank*. Iran, Tehran: 19th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۳۹. سیفلو، سجاد؛ و خوانساری، رسول (۱۳۹۰). *مشکلات و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه در قانون عملیات بانکداری بدون ربا*. تازه‌های اقتصاد، ویژه‌نامه بانکداری اسلامی ۱۳۹۰، ۴۴-۵۱.
40. Siflo, S; & Khansari, R., (2010). *Problems and Solutions of Resource Mobilization Through Qarz al-Hasna in the Law of Interest-free Banking Operations*. *Economic Updates, Islamic Banking Special 2013*, 44-51. (In Persian).
۴۱. سیمیری، محمدرضا؛ قوام، محمدحسین؛ و کریمی، رضا (۱۳۹۹). *شناسایی و ارزیابی چالش‌های حساب سرمایه‌گذاری مدت‌دار و ارائه راهکارهای اصلاحی در چارچوب اقتصاد مقاومتی*. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۹(۱۸)، ۵۴۱-۵۷۸. DOI: [10.30497/ifr.2019.2404](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2404)
42. Simiari, M. R., Gavam, M. H., & Karimi, R. (2020). Identifying and Assessing the Challenges of an Investment Deposit Account and Providing Corrective Solutions within Resistive Economy Framework. *"Islamic Finance Researches" (IFR)*, 9(18), 541-578. DOI: [10.30497/ifr.2019.2404](https://doi.org/10.30497/ifr.2019.2404) (In Persian).

۴۳. شیرانی، علی‌رضا (۱۳۸۳). دو دهه بانکداری اسلامی، چالش‌های ساختاری و اداری نظام بانکی کشور. ایران، تهران: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
44. Shirani, A. R., (1383). Two Decades of Islamic Banking, Structural and Administrative Challenges of the Country's Banking System. Iran, Tehran: Proceedings of the 15th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۴۵. صلواتیان، محمدمبین (۱۳۹۷). الگوی مشارکت مطمئن، جایگزینی برای کژکارکرد بانکداری مشارکتی. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۷(۱۴)، ۳۷۳-۳۹۶.
- DOI: [10.30497/ifr.2018.2240](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2240)
46. Salavatian, M. A. (2018). A Solid Partnership Model, a Substitute for Collaborative Banking Malfunction. "Islamic Finance Researches" (IFR), 7(14), 373-396. DOI: [10.30497/ifr.2018.2240](https://doi.org/10.30497/ifr.2018.2240) (In Persian).
۴۷. صمدی، علی‌حسین؛ و پروین، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی چالش‌های نظری و عملی بانکداری جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با بانک‌های بین‌المللی اسلامی و غیراسلامی. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.
۴۸. طالبی، محمد؛ و کیایی، حسن (۱۳۹۱). ریشه‌یابی چالش‌های استفاده از عقود مشارکتی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱(۲)، ۳۷-۵۵.
- DOI: [10.30497/ifr.2012.1522](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1522)
49. Talebi, M., & Kiaee, H. (2012). In the Banking System of Islamic Republic of Iran Root Cause Analysis of Challenges of Musharakah Contracts. "Islamic Finance Researches" (IFR), 1(2), 37-55. Doi: [10.30497/ifr.2012.1522](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1522) (In Persian).
۵۰. طبیبیان، مجید (۱۳۸۹). سازوکار تعیین نرخ سودبانکی و بررسی امکان شناورسازی آن. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست یکمین همایش بانکداری اسلامی.
51. Tabibian, M., (2009). *The Mechanism of Determining the Bank Interest Rate and Checking the Possibility of Floating it*. Iran, Tehran: Proceedings of the 21st Islamic Banking Conference. (In Persian).
۵۲. عباس‌زاده، حسن (۱۳۹۱). رویکرد تحلیلی بر چالش‌های بانکداری اسلامی در نظام بانکی کشور. ایران، تهران: پیام بانک.
53. Abbaszadeh, H., (1391). *An Analytical Approach to the Challenges of Islamic Banking in the Country's Banking System*. Iran, Tehran: Payam Bank. (In Persian).

۵۴. غلامی جمکرانی، رضا؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ و منظم، مسعود (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی حسابداری مشارکت مدنی در نظام بانکداری ایران و سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی جلد ۲.
55. Gholami Jamkarani, R; Farahani Fard, S; & Mangeh, M., (2014). A Comparative Study of Civil Partnership Accounting in the Banking System of Iran and the Accounting and Auditing Organization of Islamic Financial Institutions. Iran, Tehran: Proceedings of the 26th Islamic Banking Conference, Volume 2. (In Persian).
۵۶. فرجی، یوسف (۱۳۸۲). بررسی آزادسازی نرخ سود بر تخصیص بهینه منابع و سودآوری بانک‌های تجاری. ایران، تهران: مجموعه مقالات چهاردهمین همایش بانکداری اسلامی.
57. Faraji, Y., (1382). *Investigating the Liberalization of Interest Rates on the Optimal Allocation of Resources and Profitability of Commercial Banks*. Iran, Tehran: Proceedings of the 14th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۵۸. قلیچ، وهاب؛ و ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۴). تحلیل چالش‌های جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا و ارائه راهکار جایگزین. اقتصاد اسلامی، ۱۵(۵۹)، ۱۲۹-۱۵۵.
59. Qalich, W, & Malakrimi, F., (2014). Analyzing the Challenges of Late Payment Penalty in Interest-free Banking and Providing an Alternative Solution. *Islamic Economy*, 15(59), 129-155. (In Persian).
۶۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، ماهیت حقوقی سپرده‌های بانکی. ایران، تهران: مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
61. Katouzian, N., (2004), *Legal Nature of Bank Deposits*. Iran, Tehran: Proceedings of the 16th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۶۲. محسنی زنوزی، سیدجمال‌الدین؛ کیانوند، مهرا (۱۳۹۰). بررسی راهکار کاربرد کارت‌های اعتباری از دیدگاه شریعت اسلام. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی.
63. Mohseni Zenouzi, S, J; Kianvand, M., (1390). *Investigating the Solution of Using Credit Cards from the Point of View of Islamic Sharia*. Iran, Tehran: Proceedings of the 22nd Islamic Banking Conference. (In Persian).

۶۴. میثمی، حسین؛ و ندری، کامران (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی معاملات فردایی ارزو طراحی ابزارهای جایگزین در چهارچوب اسلامی. ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
65. Maythami, H; & Nedri, K., (2017). *Pathology of Currency Futures Trading and Design of Alternative Instruments in the Islamic Framework*. Iran, Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
۶۶. مشرف جوادی، محمدحسین؛ و قوچی‌فرد، حمزه (۱۳۸۸) با ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی). بررسی‌های بازرگانی، ۷(۳۸)، ۹۴-۱۰۷.
67. Musharraf Javadi, M, H; & Ghochifard, H., (2008) With Risk in Islamic Banks and Financial Institutions (with an Approach to Lgal Risk). *Business Reviews*, 7(38), 94-107. (In Persian).
۶۸. موسویان، سیدعباس؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی (۱)، مبانی نظری-تجارب عملی (ویرایش پنجم). ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
69. Mousaviyan, S, A; & Maithami, H., (2015). *Islamic Banking (1), Theoretical Foundations-Practical Experiences* (5th Edition). Iran, Tehran: Monetary and Banking Research Institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian).
۷۰. مظاهری، طهماسب (۱۳۸۹). بانکداری اسلامی و ابزارهای مورد استفاده در کشورهای مختلف. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیست و یکمین همایش بانکداری اسلامی.
71. Mazaheri, T., (2009). *Islamic Banking and Tools Used in Different Countries*. Iran, Tehran: Proceedings of the 21st Islamic Banking Conference. (In Persian).
۷۲. مظاهری، طهماسب؛ و حق‌بیان، نرجس (۱۳۸۸). سود بانکی در بانکداری بدون ربا و نظام پول اعتباری. ایران، تهران: مجموعه مقالات بیستمین همایش بانکداری اسلامی.
73. Mazaheri, T; & Haq Bayan, N., (1388). *Bank Interest in Interest-free Banking and Credit Money System*. Iran, Tehran: Proceedings of the 20th Islamic Banking Conference. (In Persian).

۷۴. منظور، داوود؛ رحیمی، امیرمحمد؛ و محمدی، محسن (۱۳۸۷). بانکداری اسلامی در رقابت با بانکداری متداول، موانع چالش‌های پیش‌رو. ایران، تهران: مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
75. Manzoor, D; Rahimi, A, M; & Mohammadi, M., (1387). *Islamic Banking in Competition with Conventional Banking, Obstacles and Challenges Ahead*. Iran, Tehran: Proceedings of the 19th Islamic Banking Conference.
۷۶. موسویان، سیدعباس؛ و الهی، مهدی (۱۳۹۰). امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین‌بانکی در بانکداری اسلامی. *اقتصاد اسلامی*، ۱۰(۳۸)، ۸۹-۱۱۸.
77. Mousaviyan, S, A; & Elahi, M., (2010). Jurisprudential Feasibility of Forming an Interbank Market in Islamic Banking. *Islamic Economy*, 10(38), 89-118. (In Persian).
۷۸. موسویان، سید عباس؛ میثمی، حسین؛ محمدزاده، محسن؛ و خوانساری، رسول (۱۳۹۱). حاکمیت شرعی در بانک‌ها و موسسات مالی-اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱(۲)، ۸۹-۱۱۴. DOI: [10.30497/ifr.2012.1524](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1524)
79. Mousavian, S. A., Meisami, H., Mohammadzadeh, M., & Khansari, R. (2012). Shariah Governance in Islamic Banks and Financial Institutions in the United Kingdom and its Comparison with Iran. *"Islamic Finance Researches" (IFR)*, 1(2), 89-114. DOI: [10.30497/ifr.2012.1524](https://doi.org/10.30497/ifr.2012.1524) (In Persian).
۸۰. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶). نقد و بررسی قانون عملیات بانکی بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین. *اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۵)، ۹-۳۶.
81. Mousaviyan, S, A., (1386). Criticism of the Law of Interest-free Banking Operations and Proposal of an Alternative law. *Islamic Economy*, 7(25), 9-36. (In Persian).
۸۲. میثمی، حسین؛ بیات، سعید؛ و کرمی، هومن (۱۳۹۹). شناورسازی نرخ‌های سود در بانکداری بدون ربا: سازوکاری جهت تقویت مکانیسم انتقالی پولی. *اقتصاد اسلامی*، ۲۰(۸۰)، ۱۸۹-۲۱۶.
83. Maithami, H; Bayat, S; & Karmi, H., (2019). Floating Interest Rates in Interest-free Banking: a Mechanism to Strengthen the Monetary Transmission Mechanism. *Islamic Economy*, 20(80), 189-216. (In Persian).
۸۴. معبودی نیشابوری، رضا؛ و ایروانی، مریم (۱۳۹۴). تأملی بر روش‌های حل اختلاف در تأمین مالی اسلامی. ایران، تهران: بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی.

85. Maboudi Neishabouri, R; & Irvani, M., (2014). *A Reflection on Dispute Resolution Methods in Islamic Financing*. Iran, Tehran: 26th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۸۶. نصرآبادی، داوود؛ و شعبانی، احمد (۱۳۸۷). چالش‌های بانک در اجرای قرارداد مشارکت سودوزیان و راهکارهای آن. *مطالعات اقتصادی اسلامی*، (۱)، ۷۷-۱۱۲. DOI: [10.30497/ies.2008.2410](https://doi.org/10.30497/ies.2008.2410)
87. Nasrabadi, D., & Shabani, A. (2008). The Bank's Challenges in Implementing the Profit and Loss Sharing Contract and its Solutions. *Islamic Economics Studies*, 1(1), 77-112. DOI: [10.30497/ies.2008.2410](https://doi.org/10.30497/ies.2008.2410) (In Persian).
۸۸. نوری، سمیه؛ امیرحمزه، سالارزایی؛ و مختاری افراکتی، نادر (۱۳۹۸). تحلیل فقهی بازار بین‌المللی فارکس با تکیه بر ممنوعیت آن در قوانین ایران. *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، (۴۹)، ۷۷-۹۶. DOI: [10.30497/law.2019.2540](https://doi.org/10.30497/law.2019.2540)
89. Noori, S., Salarzaei, A., & Mokhtari Afraketi, N. (2019). Islamic Jurisprudential Analysis of the International Forex Market, Relying on its Prohibition in Iran's Laws. *Islamic Law Research*, 20(1), 77-96. DOI: [10.30497/law.2019.2540](https://doi.org/10.30497/law.2019.2540) (In Persian).
۹۰. هدایتی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی نظام بانکی در دو دهه تجربه بانکداری بدون ربا در ایران*. تهران: ایران، تهران: مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی.
91. Hedayati, S, A, A., (2013). *Pathology of the Banking System in Two Decades of Interest-free Banking Experience in Iran*. Iran, Tehran: Proceedings of the 15th Islamic Banking Conference. (In Persian).
۹۲. یوسفی مقدم، عباس (۱۳۹۱). *اصول کلی حاکم بر بازار بین‌المللی ارز*. ایران، تهران: دانشگاه پیام‌نور تهران.
93. Yousefi Moghadam, A., (2011). *General Principles Governing the International Currency Market*. Iran, Tehran: Payam Noor Tehran University. (In Persian).
94. Abozaid, A., (2016). The Internal Challenges Facing Islamic Finance Industry. *Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 9(2), 222-235.
95. Besyt, W., (2008). Increase Foreign Exchange Reai. Trading Markets.
96. Colon, J. C. (2010). Choice of Law and Islamic Finance, *Taxes International Law*, 46, 411-435.
97. Carmin, C., (2008). How Is Poor Money Traveling? The Interest Rate at the Price of Thecurrency” Fraud Du Jour Is Among the Legal Hols. Dowjons & Company.

98. Jaimez, L. J., (2014): The Treatment of Islamic Finance Awards in Non-Islamic Countries, Kuala Lumpur Regional Center for Arbitration Days.
99. Jindan, M., (2009-2010): Legal Phuralism and Pispute Resolution: A Response to the Debate Initiated by the Archbishop of Canterbury with Reference to Recognition of Aspects of sharia.
100. Khan, M. A., Shehzad, M. W., & Khan, M. A. (2015). Contemporary Challenges Confronting Islamic Banking & Finance. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 55, 86-94.
101. Kbir H., (2021). Islamic Finance and Contemporary Challenges, *ARAB LAW* 9(35), 40-49.
102. Maita, A. (2014). Arbitration of Islamic Financial Disputes. *Ann. Surv. Int'l & Comp. L.*, 20, 35.
103. Radzi, R. M., & Muhamed, N. A. (2012). An International Comparative Study on Shariah Governance Supervision of Sukuk Defaults. *Islamic Economics, Banking and Finance*, 8(3), 20-43.
104. Raza, M. W., Shah, S. F., & Khurshid, M. R. (2011). Islamic Banking Controversies and Challenges.

